

تجلی معنویت در عرفات و جذبه های الهی در آن

چکیده

موضوع در این پژوهش تجلی معنویت در عرفات است. که با هدف بررسی و شناخت تاریخچه عرفات و تکیه بر روایات و سیره معصومین (علیهم السلام) تدوین شده است. عرفات و اعمال آن در طول تاریخ توسط افراد جاهل با برخی خرافات خلط گردیده و از مسیر اصلی خود منحرف شد اما با ظهور اسلام این روند تغییر پیدا کرد و عرفات نقطه عطفی در مناسک حج گردید لذا در این کار به ابعاد آن از نظر دینی مورد و اشکافی و تأمل قرار گیرد. بدین جهت نوشتار حاضر در چهار بخش تدوین شده است که به جایگاه و کیفیت وقوف در عرفات و همچنین به فلسفه و آثار وقوف در عرفات و نیز به بایسته های عرفات اختصاص داده شده است. آثاری که این وقوف دارد از جمله واقف شدن بر معارف الهی، شمولیت رحمت عام و خاص الهی و... از جمله اسرار وقوف در عرفات است و همه این آثار موجب شده عرفات و حضور در آن تجلی گاه روح توحید و معنویت گردد و مقدمه ای کامل برای حضور در حریم قدس ربوبی محسوب شود. نتایجی که از این تحقیق بدست می آید، در حالی که شخص به اسرار وقوف در عرفات واقف باشد، ثمرات فراوانی در دو بعد فردی و اجتماعی دارد از جمله رهایی از گناه، یادآوری کوتاهی عمر و رستاخیز، خودشناسی، ارتباط با جهان اسلام و... است.

واژگان کلیدی: تجلی، معنویت، توحید، وقوف، عرفه

طرح بحث

حج یکی از ارکان آیین اسلام و دارای ابعاد گوناگون مختلف فردی، اجتماعی، عبادی، سیاسی، اخلاقی و عرفانی است که از زمان حضرت آدم (علیه السلام) به تعلیم جبرئیل امین انجام می گرفته است و در زمان حضرت ابراهیم کامل تر شده تا زمانی که پیامبر گرامی اسلام در حجه الوداع، کامل ترین حج را بیان فرمودند.

حج از جمله باورهای مهم اسلامی است، که در زندگی مسلمانان تأثیر بسزایی دارد، هم چون: گسترش اتحاد و همگرایی میان مسلمانان، خدانشناسی و عبودیت، ترویج معنویت و دین در جهان.

وجود چنین کنگره فراگیر و همگانی با انگیزه های بسیار والای معنوی در دنیا بی نظیر است. اگر مسلمانان قدرت عظیم حج را دریابند هرساله، زیر سایه آن بزرگ، خدمت را به اسلام خواهند کرد و می توانند شدیدترین ضربه را بر پایه کفر بزنند.

هم چنان که امام علی (علیه السلام) فرموده اند: «وَاللَّهِ اللَّهُ فِي بَيْتِ رَبِّكُمْ فَلَا يَخْلُونَ مِنْكُمْ مَا بَقِيْتُمْ فَإِنَّهُ إِنْ تَرَكَ لَمْ تُنَاطَرُوا...» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ ق، ج ۴، ص ۱۹۰)

خدا را! خدا را! درباره خانه خدا، تا هستید آن را خالی نگذارید، زیرا اگر کعبه خلوت شود، تنها از آن پس مهلتی نیابید و منقرض خواهید شد.

آری! حج دارای آثار و برکات عملی فراوانی است که رسیدن به آن ها با انجام صحیح مناسک آن محقق خواهد شد. عبادات و قوانین دینی به منزله نردبان ترقی و راه وصول به ساحت قدس ربوبی است، بدیهی است که صفای نفس منوط به پیراستگی از شهوت های نفسانی و آرزوهای حیوانی و عدم تعلق به مال و منال دنیوی است. زیرا همه این ها موانعی هستند که انسان را از معارف الهی باز می دارد و نقش مناسک تشریح شده هموار کردن سیر سالک است.



البته زیارت بیت الله الحرام، علاوه بر انجام مناسک فقهی باید با ادب و آداب تربیتی، اخلاقی و معنوی همراه شود تا مقبول حریم صاحب خانه گردد. روح و معنویت این خانه توحید و عبودیت است. زائران باید از توجه به کعبه، به توحید، ولایت و ارزش های معنوی پی برند. تقدس زمانی و مکانی و طواف برای زائران شرایطی الهی و ملکوتی را فراهم می کند تا بتوانند به تصفیه روح و جان پرداخته و به سعادت دنیا و آخرت نائل آیند.

زائران بیت الله الحرام نسبت به این سفر دیدگاه های متفاوتی دارند و هر کدام به میزان آگاهی و شناخت خویش از آن بهره می گیرند.

حاجیان باید با توجه اعمال و مناسک هر یک از این مکان های مقدس پای در این سفر معنوی بنهند تا به حقیقت به ادای حج ابراهیمی موفق شوند. آشنایی با اهداف حج موجب می شود تا زائران برای دستیابی به آن ها معلومات مورد نیاز خویش را فرا گیرند قطعاً تحقق این اهداف تنها با دانستن احکام قابل دستیابی نیست و لازم است از ماه ها پیش با فراگیری معارف و آمادگی های جسمی و روحی خود را برای این سفر عظیم آماده سازد و تنها به شرکت در چند جلسه محدود که معمولاً توسط کاروان ها برگزار می شود بسنده نکند. زائر بیت الله به هر میزان که به اسرار حج، آگاه باشد حج او خالصانه تر است زیرا خلوص که معیار بهره مندی از ثواب است مسبوق به معرفت می باشد. بدون آشنایی به اسرار اعمال پیمودن مراحل کامل اخلاص میسر نیست. بنابراین حج سفر عظیمی است از رحمت و فضل بیکران الهی که استفاده کامل از آن منوط به نوع نگرش و اعمال خود زائر خواهد بود.

میان مناسک حج، یکی از اعمالی که می تواند انسان را به سرعت در مسیر تکامل پیش برد و قوف در عرفات است. حضور به ظاهر کوتاه در این سرزمین مقدس سراسر رشد، کمال و معنویت است. وقوف و حضور در این صحرای عظیم از زمان حضرت آدم (علیه السلام) تاکنون مقارن با معرفت الهی، بهره مندی از رحمت الهی، آمرزش گناهان، خودشناسی و... بوده است.



ادعیه و خطابه های پیامبر گرامی اسلام و ائمه اطهار بهترین منشورشناخت عرفان است. وقوف به معنای واقف شدن و اندیشه و تفکر مقدمه ای کامل در جهت معرفت شناسی و آمادگی برای حضور در حریم امن الهی و شروع مناسک می باشد.

وقوف در عرفات به منزله اردوی آموزشی - تربیتی برای اعمال حج می باشد. عرفات به جهت شرایط خاص مکانی (گسترده‌گی صحرا، حضور در زیر آسمان، اجتماع میلیونی و خالی بودن از تمام ظواهر و زینت های دنیوی) روح انسان را برای دریافت معارف الهی و تقرب به درگاه الهی آماده می سازد.

وقوف در عرفات هر چند از لحاظ زمانی کوتاه است اما با دعا، تضرع، انابه و اندیشه و معرفت، خودشناسی و ولایت گره خورده است و این موجب تعالی روحی زائران و قرار گرفتن در جریان اصیل معنویت خواهد بود. (به فرموده امام خمینی اگر جهات معنوی حج به فراموشی سپرده شود نمی توان از چنگال شیطان نفس رهایی یافت.) (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۹، ص ۴۴)

مطمئنأ حضور با معرفت و با ساختن اسرار و اهداف بهره انسان را از دریای بیکران رحمت و غفران الهی مضاعف خواهد کرد.

بدین جهت نوشتار حاضر در صدد بررسی ظهور و نمود معنویت در عرفات و راه های بهره گیری بیش تر از آن ها برآمده است

عرفات در آینه قرآن و روایات

۱. عرفات از منظر قرآن

با توجه به اینکه وقوف در عرفات از مناسک حج ابراهیمی بوده و در اسلام احکام و شرایط خاصی دارد است برای شناخت و درک جایگاه آن بهترین راه رجوع به سرچشمه معارف یعنی قرآن و کلام اهل بیت است.



در قرآن کریم فقط یک بار نام (عرفات) آمده است که «لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ فَإِذَا أَفْضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الصَّالِينَ» (سوره بقره، آیه ۱۹۸)

بر شما گناهی نیست که (در ایام حج) از پروردگارتان (به وسیله تجارت و دادوستد) روزی و منافع مادی بطلبید و هنگامی که از عرفات کوچ کردید، خدا را در مشعر الحرام یاد کنید. (آری) او را یاد کنید همان گونه که شما را هدایت کرد و همنا شما بیش از این از گمراهان بودید. در ادامه آیات بعدی به سنت های نا به جایی که در وقوف عرفات شایع شده اشاره می کند و بهره گیری کامل از این موقعیت را منوط به انجام درست اعمال و شفاعت هدف این وقوف می داند.

نفی امتیازات موهوم

«فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَاسِكَكُمْ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا فَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ» (سوره بقره، آیه ۲۰۰) پس هنگامی که مناسک (حجشان) را انجام دادید خدا را آن گونه که پدرانتان را یاد می کنید با بهتر از آن یاد کنید در این میان گروهی از مردم (کوتاه فکر) می گویند؟: ای پروردگار ما به ما در دنیا (کالای زندگی) عطا کن و آنان را در آخرت هیچ بهره ای نیست.

برخی از محورهای اشاره شده در آیه را به اختصار ذکر می کنیم:

در مورد آیه فوق مفسران حکایت کرده اند که در جاهلیت قبیله قریش، امتیازات نادرستی برای خود قائل بودند و برای خود مقامی فرض می کردند که برای هیچ یک از اعراب قبائل نبودند. آنان خود را خمس (بر وزن خمس) معرفی می کردند یعنی کسی که در دین خود محکم و پا برجاست و به عنوان فرزندان ابراهیم و سرپرستان خانه کعبه خود را از همه برتر می شمردند از این رو می



گفتند: ما نباید در مراسم حج به عرفات برویم زیرا عرفات از حرم مکه بیرون است در حالی که می دانستند وقوف در عرفات جزئی از مراسم حج ابراهیمی است. قرآن کریم در آیات فوق خط بطلان بر این اوهام کشید به مسلمانان دستور داد که همه با هم در عرفات توقف (وقوف کنند). (جوادی آملی، ۱۳۷۷، ص ۴۱۳)

درس اتحاد و یگانگی

واژه (أفاض) از ماده فیض در اصل به معنای جریان و ریزش آب است و از آن جا که وقتی مردم به طور دسته جمعی از جایی به نقطه دیگری با سرعت حرکت می کنند بی شباهت به یک نهر جاری نیست این تعبیر به کار می رود. (همان)

قرآن به مردم دستور می دهد که همگی بدون استثناء نخست به عرفات بروند، و از آن جا به مشعرالحرام سپس به سرزمین منی کوچ کنند، و این اشاره لطیفی به وحدت اسلامی است که هماهنگ در مسیری که خدا فرموده است حرکت کنند.

در قرآن آیه دیگری وجود دارد که بر عرفه منطبق شده است «وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ وَ شَاهِدٍ وَ مَشْهُودٍ» (سوره بروج، آیات ۲ و ۳) و قسم به روز موعود و قسم به شهادت دهنده و آن چه بدان شهادت دهند؛ بعضی از روایات مراد از شاهد را روز جمعه و مراد از مشهود را روز عرفه دانسته اند. (بابویه قمی، ۱۳۶۱ ش، ص ۳۹۸)

قال ابی عبدالله: «فِي قَوْلِهِ عَزَّوَجَلَّ وَ شَاهِدٍ وَ مَشْهُودٍ. قَالَ الشَّاهِدَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَ الْمَشْهُودُ يَوْمَ عَرَفَةَ» (حر عاملی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۳، ص ۵۴۸)؛ بعضی دیگر شاهد را روز عرفه و روز مشهود را روز قیامت معرفی کرده اند. «حسین بن سعید عن النضر بن سويد عن محمد بن هاشم عن روى عن ابی

جعفر فی حدیث قال الشَّاهِدَ يَوْمَ عَرَفَةَ وَ الْمَشْهُودُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (همان)



«ذَلِكَ يَوْمٌ مَّجْمُوعٌ لَّهُ النَّاسُ وَ ذَلِكَ يَوْمٌ مَّشْهُودٌ» (سوره هود، آیه ۱۰۳)

آن روز که مردم گرد آورنده شوند و آن روز که مردم در آن حاضر گردند بر این اساس می توان گفت تعبیر مشهود در این ۲ آیه بر روز عرفه منطبق شده است.

۲ آیه اخیر تفسیر و تأویل آن منطبق بر عرفات و روز عرفه می باشد و در قرآن همانگونه که ذکر شد واژه عرفات به صراحت تنها یکبار در قرآن آمده است.

۲. عرفات از منظر روایات

پیش از این به رابطه ولایت و عرفه و تلازم میان آن دو اشاره شد، دانستیم درک عرفه متوقف بر توسل و استعانت از ائمه اطهار می باشد به همین جهت برای دریافت صحیحی از جایگاه عرفات به برخی از روایات در این باب اشاره می کنیم.

حج اکبر: خداوند در قرآن کریم می فرماید: «أَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَ رَسُولُهُ فَإِنْ تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَ بَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» (سوره توبه، آیات ۳)

و این اعلامی است از سوی خدا و پیامبرش به همه مردم در روز حج اکبر که، یقیناً خدا و پیامبرش از مشرکان بیزارند (و هیچ تعهدی نسبت به آنان ندارند) پس (ای مشرکان) اگر (از پیمان شکنی و خیانت) توبه کنید (و مسلمان شوید) برای شما بهتر است و اگر روی (از وفای به پیمان و اسلام) بگردانید، بدانید که شما عاجز کننده خدا نیستید (تا بتوانید از دسترس قدرت او بیرون روید) و کافران را به عذابی دردناک خبر ده.

در بین محدثان و مفسران قدیم و جدید گروهی بر این عقیده اند: که مراد از حج اکبر روز عرفه است. از ابن عباس، طاووس، عمر، عثمان، مجاهد، عطاء سعید بن مسیب، ابن زبیر، ابوحنیفه،

شافعی نقل شده که روز عرفه را روز حج اکبر می دانند. (قرطبی، ۱۳۸۷ق، ج ۸، ص ۶۹)



عطاء گوید: «الْحَجُّ الْأَكْبَرُ الَّذِي فِيهِ الْوُقُوفُ بِعَرَفَةَ وَالْأَصْغَرَ الْعُمْرَةَ» (همان)؛ «حج اکبر و قوف در عرفه است و حج اصغر عمره است.»

اسماعیل قاضی در حدیث مخرمه از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل کرده که آن حضرت فرمود: «يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ يَوْمَ عَرَفَةَ» (همان) حج اکبر روز عرفه است.

ابن ابی حاتم و ابن مردویه از مسور بن مخرمه از قول رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آورده اند: که «إِنَّهُ قَالَ خَطَبَ رَسُولَ اللَّهِ (ص) عَشِيَّةَ عَرَفَةَ فَقَالَ أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ هَذَا يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ» (فخر رازی ، ۱۳۷۱، ج ۱۵، ص ۲۲۱)

پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) بعد از ظهر عرفه برای مردم سخن می گفت و خطاب به آنان فرمود: امروز روز حج اکبر است.

برخی از کسانی که این قول را پذیرفته اند به حدیث معروف (الحج عرفه) استدلال کرده و می گویند از آنجاکه یکی از بزرگترین اعمال حج و قوف در عرفه می باشد و کسی که آن را درک کند حج را درک کرده و کسی که آن را درک نکند حج او باطل است لذا روز عرفه را حج اکبر نامیده اند. (جلی عاملی (شهیدثانی)، ۱۴۰۷، ص ۴۲)

اهمیت عرفه در حج

در احادیث از پیامبر حکایت شده که ۳ بار فرمود: (الْحَجُّ عَرَفَاتُ) (فیض کاشانی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۲۰۴)؛ این مطلب جایگاه بلند عرفات را در اعمال حج روشن می سازد که وقوف در این سرزمین معادل کل حج است. شاید این مطلب به خاطر آن است که دعا و آمرزش خاص الهی و کمال و تعالی انسان در این سرزمین به صورت ویژه تحقق می یابد البته ممکن است این مطلب اشاره به حکم فقهی عرفات نیز باشد که عرفات از ارکان حج است و هر کسی آن را عمداً ترک کند حج او باطل است. (رک : خمینی، ۱۳۶۱، مسأله ۹۶۳)



این حدیث جزء حدیث مشهور نبوی است. این حدیث صراحت دارد بر اینکه اعمال حج را اگر خواسته باشند فشرده نمایند آن اعمال در عرفه خلاصه می شود زیرا عرفه روح حج است (وقوف در عرفات) ابتداء حج و اعمالی که پیش از آن بوده آنها مقدمه عرفات بوده زیرا این موقف اصل عمل است که اگر از کسی فوت شد حج او بکلی باطل است و اصل عمل از این رو است که مربوط به شناسائی است. بدیهی است که معرفت اساس کلیه حرکات است بدین جهت آنچه در عرفات و مشعر و منی جلب توجه می کند کلمه (وقوف) می باشد یعنی واقف شدن، شناختن، فکر کردن، پس در اینجا باید آموخت آنچه را که در هیچ کجا و هیچ زمان و از هیچ کس نمی توان آموخت. در نیت این مکان ها می گوئیم وقوف می کنیم نمی گوئیم بجا می آوریم و این خود متضمن هزاران معناست و هدف و کمال اصلی وقوف را نشان می دهد

عرفات یعنی شناختن و آگاهی یافتن. مشعر هم، سخن از فهم و شعور و بینش است! منی، سخن از (عشق) است. شاید مراد این باشد: هان! ای آدمی! اول: علم بیاموز. دوم: بفهم. سوم: ایمان بیاور!

آری دانش است که آدمی را به کنجاوی واداشته و دنیا را زیبا کرده و بشر را بر کهکشانش مسلط کرده است. در اثر تفکر از دل سنگ ها زر ناب و از عمق دریاها مروارید غلطان و از دل کوه ها فلزات می کشد و با آن فلزات در لابلای ابرها پرواز می کند. بشر وقتی که به اسرار آفرینش واقف گردد ایمان می آورد، این است که اسلام، نخواستنه است که کورکورانه آدمی را تسلیم دین و مذهبی نماید، می گوید بیاموز، بیاندیش تا رستگار شوی، در عرفات هیچ چیز برای دیدن نیست! سرزمینی است پر از ماسه و شن، شهری است همه یک رنگ، در اینجا هیچ تکلیفی جز اندیشه و فکر نمی باشد در زیر آفتاب و چادرهای سوزان عرفات، باید غنچه فطرتت شگفته گردد تا شعور خود را بکار بندی. (خدا کرمی زنجانی، ۱۳۷۳، ص ۳۱۸ - ۳۱۹)



حج به سبب آگاهی خاصی که در عرفات در جای دیگر یافت نمی شود موجب تعالی و نیل انسان به اوج قلّه عالم امکان یعنی خلق عظیم است و سرّ این مطلب را می توان در دعای عرفه مشاهده نمود. (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ص ۴۲۳)

تجلی خداوند در عرفات

منظره روحانیت صحرائ عرفات در روز عرفه در هیچ یک از اعمال حج دیده نمی شود. چه آن که در این مکان، چند میلیون جمعیت تمام در لباس احرام صداها به ضجّه و ناله و دعا و استغاثه مشغولند و با قلبهایی مملو از رجاء و ایمان خود را به پروردگارشان نزدیک دانسته و یقین دارند که دعاهایشان مستجاب و گناهانشان آمرزیده است.

در حدیث از معصوم آمده است که «أَهْلَ مَوْقِفِ عَرَفَاتٍ هُمْ وَقُوفُ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۲۰، حدیث ۱۷)

(آنانکه در عرفات وقوف می کنند در حقیقت پیش روی خدا- بین یدی الله- موقف کرده اند) هر آنکس که ظرف وجود را بر درگاه ولایت عرضه دارد به قدر مرتبه و توان خویش این حضور و شهود را در خواهد یافت همان سان که در طریق تهذیب و عمل هر کس به قدر تقدیر خود جرعه ای از این دریای بیکران چشیده است به جهت اینکه همت رهروان راه عبودیت به وصال و دریافت چنین حقایقی افزون بشود داستانی در همین رابطه آورده می شود.

روزی جناب آقای میرزا مهدی اشتیانی در منزل مرحوم آیت الله حجت بودند. ایشان در آن جا چنین تعریف کردند: این جانب دچار یک بیماری سختی شدم که برای معالجه آن، هم در کشور بسیار تلاش کردم و هم به خارج از کشور سفر کردم، اما معالجه نشد و از باز یافتن سلامتی خویش نومید شدم. در سال ۱۳۶۵ ه. ق که توده ای ها تسلط شوم خود را بر شمال و آذربایجان استحکام بخشیدند. اینجانب با اتوبوس عازم مشهد بودم که در میان راه حامل به هم خورد، به گونه



ای که راننده و مسافران اتوبوس فکر کردند دچار سکتة قلبی شده ام. به همین جهت ماشین را متوقف کردند و مرا بیرون آوردند تا برای نجات من کاری بکنند. اما من در همان حال در عالم دیگری بودم. دیدم که در صحرای عرفات هستم و انوار بسیاری در آن جا به آسمان پرتو افکن است و انبوه مردم بدان سو چشم دوخته اند، پرسیدم: چه خبر است؟ گفتند: پیامبر گرامی حضور دارند. به سوی آن حضرت رفتم که دیدم چهارده خیمه در کنار هم به یکدیگر نصب شده که بزرگترین آنها از آن پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است. وارد شدم و ضمن عرض سلام خواستم بیماری خود را بازگویم که پیامبر با مهر و محبت بسیاری فرمودند: از آن جایی که شما زائر پسر م رضا هستی، برو به خود او بگو. به خیمه حضرت رضا (علیه السلام) رفتم و پس از عرض سلام سه حاجتی که داشتم بازگفتم. آن حضرت جواب مرا دادند و در این حال بود که آمدم، دیدم در میان بیابان و در حلقه مسافران اتوبوس هستم. در آن محفل آیه الله حجت اظهار می دارند: من مدت ها در مورد این روایت که می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَتَجَلَّى لِأَهْلِ الْعَرَفَاتِ» (نوری، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰، ص ۱۶۶)

"خداوند تجلی می کند بر اهل عرفات" می اندیشم و اکنون برای من روشن شد که تجلی خدا در عرفات عبارت از تجلی پیام آور او بر مردم و تجلی خدا بر پیامبر گرامی و خاندان وحی و رسالت است. (رک: کارگر، ۱۳۸۰، ص ۲۱۸ - ۲۱۹)

مباهات خدا به اهل عرفه

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ يُبَاهِنُ مَلَائِكَتَهُ عَشِيَّتَهُ عَرَفَةَ بِأَهْلِ عَرَفَةَ فَيَقُولُ أَنْظِرُوا إِلَيَّ عِبَادِي أُتُونِي مُشْعَتًا غُبْرًا» (احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۲۲۴)؛ در احادیث از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) حکایت شده که خدا در عصر عرفه به خاطر اهل عرفه به فرشتگان خود مباهات می کند و می فرماید: (به بندگانم بنگرید که ژولیده و غبار آلود به سوی من آمده اند)



آری حاجی که برای رسیدن به دوست سر از پا نمی شناسد و بصورت طبیعی در آن بیابان گرد آلود ژولیده می شود و زبان حال او این است که هر چه از دوست رسد نیکوست خدا نیز او را دوست می دارد و به همین حالت ژولیده وی را در بارگاه قدس خویش می پذیرد.

عرفات محل نزول آیه ولایت

عرفات یکی از مکانها و زمان های جلوه گری ولایت اهل بیت است و ارتباط عرفات با ولایت از چند جهت قابل توجه است. عرفات محل نزول اولیه آیه اکمال است. علامه طباطبایی (رحمه الله علیه) برآند که آیه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (سوره مائده، آیه ۳)

براساس برخی روایات (رک : سیوطی، ۱۴۰۳ق رک : عیاشی، ۱۴۱۱ق) در عرفه نازل شد، ولی پیامبر (صلی الله علیه و آله) به خاطر برخی مصلحت سنجی ها و ترس از مخالفت دشمنان آن را بیان نکرد و منتظر فرصت بود تا این که در روز غدیر (۱۸ ذی الحجه) که از سفر حج باز می گشتند دستور اکید برای ابلاغ آیه فوق آمد. سپس حضرت آن را برای مردم تلاوت کرد و ولایت امام علی(ع) را علناً اعلام فرمود. (طباطبایی، ۱۳۶۲، ج ۵، ص ۲۰۹ - ۲۱۰)

جاماندگان از قافله رمضان

در اهمیّت عرفه همین بس که امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «مَنْ لَمْ يُغْفَرْ لَهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ مَا يُغْفَرُ لَهُ إِلَى قَابِلٍ إِلَّا أَنْ يَشْهَدَ عَرَفَةَ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۳، ص ۳۷۵)

اگر ماه مبارک رمضان بر کسی گذشت و او آمرزیده نشد تا ماه مبارک آینده به آمرزش او امیدی نیست مگر آنکه عرفه را با شرایط آن ادراک کند. با توجه به آنچه گذشت در می یابیم وقوف در عرفات در نزد ائمه معصومین (علیهم السلام) با اهتمام به شرایط ویژه آن جایگاه ویژه ای داشته است.



کیفیت وقوف در عرفات

در اسلام توجه به موقعیت های زمانی و مکانی بسیار مهم به حساب آمده و در بهره مند شدن از چگونگی عبادت و عمل، اثر فراوانی دارد. نمازهای روزانه هر کدام زمان معینی دارد روزه و حج زمان معینی دارد انجام عمل در زمان مخصوص خود موجب پذیرش آن و درک ثواب فراوانتری خواهد شد و تأخیر عمل از زمان خود سبب از دست رفتن عمل و بروز گناه و معصیت می گردد. وقوف و حضور در سرزمین عرفه یکی از واجبات و ارکان حج است و ترک وقوف اختیاری و اضطراری عرفه باعث بطلان حج می گردد. (افتخاری گلپایگانی، ۱۳۷۲، ص ۳۲۹)

و زمان وقوف در عرفات محدود است از ظهر روز نهم ذی الحجه آغاز می شود و تا غروب ادامه دارد که لحظات بسیار حساسی است که آداب و ادعیه بسیاری دارد.

آداب عرفه:

شب عرفه: شب عرفه دارای اعمال و سنت های بسیاری است از آن جمله:

الف. خواندن دعا روایت شده: هر که بخواند آن را در شب عرفه، یا شبهای جمعه، خداوند بیاورد او را: «اللَّهُمَّ يَا شَاهِدَ كُلِّ نَجْوَى». (ابن طاووس، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۳۲۵): خدایا! ای آگاه هر راز. ب. دعائی را که در شب و روز جمعه، و شب و روز عرفه خواندن آن تأکید شده است: «اللَّهُمَّ مَنْ

تَعَبًا» (شیخ طوسی، ۱۴۱ق، ج ۱، ص ۲۶۹)

ج. زیارت حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) (سید بن طاووس، ۱۴۰۹، ص ۳۳۰)

د. مشغولیت به ذکر و تعقیبات پس از نماز صبح تا طلوع آفتاب.

روز عرفه و فضیلت آن

امام چهارم (علیه السلام)، در دعاء این روز، که در صحیفه می باشد، چنین می گوید: «اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمٌ



عَرَفَةَ يَوْمَ شَرَّفْتَهُ وَ كَرَّمْتَهُ وَ عَظَّمْتَهُ، نَشَرْتَ فِيهِ رَحْمَتَكَ، وَ مَنَنْتَ فِيهِ بِعَفْوِكَ، وَ أَجْزَلْتَ فِيهِ عَظِيمَتَكَ، وَ تَفَضَّلْتَ بِهِ عَلَيَّ عِبَادِكَ.» (دعای روز عرفه، ص ۲۲۰)

خدایا! این روز، روزی هست که تو آن را شرافت و کرامت و عظمت بخشیده ای، رحمت خود را در این روز پراکنده ساخته ای و بر بندگان منت گذاشته، آنها را مشمول عفو خود فرموده ای، عطایا و بخششهای خود را در این روز بسیار ساخته ای، و بندگان خود را در این روز مورد کرم و فضل خود قرار داده ای.

اسرار وقوف در عرفات

هر عبادتی را بطن و سرّی است. زیرا عبادت از اموری است که خدای سبحان در کتاب خویش از آن سخن گفته است: «إِنَّ لِكِتَابِ اللَّهِ ظَاهِرًا وَ بَاطِنًا». (برقعی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۲۷۰)

کتاب خدا را ظاهری است و باطنی. پس همه آن چه در قرآن آمده و از جمله حج، ظاهری دارد که مردم بدان معرفت دارند و باطنی که تنها شاهدان و عارفان آن را می بینند. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۷۴)

اصولاً باید توجه کرد که تزکیه هر عملی به منزله بیان اسرار آن عمل است قهراً همه اعمال دینی سری دارد نه تنها عبادت است بلکه معمولاً نیز خالی از اسرار نیست چون مسأله «یعلمهم الكتاب والحکمه و یزکیهم» در سراسر معارف الهی ظهور کرده است یعنی (تعلیم کتاب و حکمت) هم به عقاید و اعمال و اخلاق عبادت برمی گردد و هم به مسائل تجاری، اقتصادی، سیاسی، نظامی... و (یزکیهم) برای بیان باطن اعمالی است که انسان با آن اعمال خدای خود را (عبادت) می کند یا به دستور خدا امتثال می کند پس بنابراین، هر عملی سرّی دارد که توجه به آن مایه تزکیه روح خواهد شد و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) گذشته از اینکه مفسر و مبین قرآن و معلم کتاب و



حکمت است مبین راز و رمز این کتاب و حکمت نیز هست از این جهت مزکی نفوس هم می باشند بخش مهم تزکیه نفوس در پرتو آشنایی با اسرار عبادتها و دستورهای دینی است. (جوادی آملی، ۱۳۷۱، صص ۵۳ - ۵۴)

وقوف عرفات اسرار بسیاری دارد که این اوراق گنجایش بحث آنها را ندارد یعنی از بین معانی که برای وادی عرفات و وقوف آن بیان گردید می توان اسرار و فلسفه وقوف را هم دانست. منتهی حج یک خصیصه ای دارد که ائمه و شاگردان آنها درباره اسرار آن نکات سودمند بهتر و بیشتری داده اند به منظور توجه و بصیرت بیشتر به اسرار وقوف در عرفات توجه به ذکر یکی از رهنمودهای امام سجاد (علیه السلام) که در جریان مصاحبه ایشان با شبلی اتفاق افتاده بود مبادرت می ورزیم. (جوادی آملی، ۱۳۷۱، صص ۵۳ - ۵۴)

«أَنَّهُ لَمَّا رَجَعَ مَوْلَانَا زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَ مِنْ الْحَجِّ اسْتَقْبَلَهُ الشَّبْلِيُّ فَقَالَ عَ لَهُ حَجَجْتَ يَا شَبْلِيُّ قَالَ نَعَمْ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ عَ أ نَزَلْتَ الْمِيقَاتَ وَ تَجَرَّدْتَ عَنْ مَخِيطِ الثِّيَابِ وَ اغْتَسَلْتَ قَالَ نَعَمْ قَالَ فَحِينَ نَزَلْتَ الْمِيقَاتَ نَوَيْتَ أَنَّكَ خَلَعْتَ ثَوْبَ الْمُعْصِيَةِ وَ لَبِسْتَ ثَوْبَ الطَّاعَةِ قَالَ هَلْ عَرَفْتَ بِمَوْقِفِكَ بِعَرَفَةَ مَعْرِفَةَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ أَمْرَ الْمَعَارِفِ وَ الْعُلُومِ وَ عَرَفْتَ قَبْضَ اللَّهِ عَلَى صَحِيفَتِكَ وَ اِطَّلَاعَهُ عَلَى سَرِيرَتِكَ وَ قَلْبِكَ قَالَ لَا قَالَ نَوَيْتَ بِطُلُوعِكَ جَبَلَ الرَّحْمَةِ أَنَّ اللَّهَ يَرْحَمُ كُلَّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ وَ يَتَوَلَّى كُلَّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ قَالَ لَا ارْجِعْ فَإِنَّكَ لَمْ تَحُجَّ فَطَفِقَ الشَّبْلِيُّ يَبْكِي عَلَى مَا فَرَطَهُ فِي حَجِّهِ وَ مَا زَالَ يَتَعَلَّمُ حَتَّى حَجَّ مِنْ قَابِلٍ بِمَعْرِفَةٍ وَ يَقِينٍ أَنْتَهَى» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۰، ص ۱۶۶)؛ «شبلی به دیدن حضرت سجاد(علیه السلام) که از حج بازگشته بودند رفته بود که حضرت در ضمن صحبت ها از او پرسیدند: شبلی! حج رفته‌ای؟ شبلی گفت: بلی یابن رسول الله؛ حضرت سوال کردند: وقتی به میقات رسیدی و لباس های خود را درآوردی و غسل کردی آیا نیت کردی که با در آوردن لباس، نافرمانی خداوند



را در می‌آوری و کنار می‌گذاری؟!

سپس حضرت سوال کردند که: وقتی به عرفات رفتی و در کنار جبل‌الرحمه قرار گرفتی و به مشعر رفتی و سنگ جمع کردی، آیا با وقوف در عرفات، توجه کردی که خداوند تمام حقایق را می‌داند و بر همچنین بر تمام زوایای درونی تو مطلع است؟! گفت: نه.

و آیا وقتی در کنار جبل‌الرحمه قرار گرفتی، نیت کردی که خداوند رحمتش را بر تمام مومنین جهان جاری کند و امور آنها را خودش به دست بگیرد؟!

شبلی گفت: نه اینگونه نیت نکردم؛ حضرت فرمود: شبلی! بازگرد که تو اصلاً حجّ واقعی را انجام نداده‌ای!! اشک از چشمان شبلی جاری شد و تصمیم گرفت که اسرار حج را خوب بیاموزد، تا اینکه خداوند توفیق داد و در سال بعد با معرفت و یقین به حج رفت. »
رهنمودهای امام سجاد را می‌توان در محورهای زیر بررسی کرد:

- واقف شدن بر معارف الهی

حج گزار با وقوف در عرفات باید به معارف و علوم دینی واقف شده و از اسرار الهی نظام آفرینش با خبر شود و بداند که خدای سبحان به همه نیازهای او واقف و بر رفع همه آنها تواناست. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۲۰۴)

اگر بنده ای مطیع و پیرو خدا شد از همه خیر و همه کس بی نیاز است چرا که بندگی سرمایه هر بی نیازی است «وَطَاعَتُهُ غِنَى» (دعای کمیل، ص ۱۱۷)

و طاعتت بی نیازی از هر چه در جهان پس کسی که در عرفات ایستاده باید از معرفت طرفی بریندد و سعی در شناخت خود و خدای تعالی داشته باشد.

- گستردگی عرفات ظرف تجلی حقایق

وقوف عرفات برای شناخت حقیقت و آشنائی با حق تعالی است. سرّ این که، (فضای عرفات) برای



این کار، اختیار شده از این جهت است که فضا هر چه بازتر باشد جلوه حقیقت را بیشتر نمایش می دهد و برای نظر عرفان و ایستگاه حکیمانه، مناسب تر خواهد بود. در خبر است که رسول خدا از جبرئیل خواست که او را به صورت اصلی خود ببیند! گفت: در کجا؟ حضرت فرمود: در (ابطح) عرض کرد: گنجایش مرا ندارد! حضرت فرمود: (منی) که دایره افق وسیع است باز عرض کرد گنجایش مرا ندارد؟ حضرت فرمود: در عرفات. جبرئیل گفت: می شود. شاید این خبر رمزی از این که هر چه افق بازتر باشد برای صفحه آگاهی بهتر است و عرصه ای از وادی عرفات وسیع تر، نزدیکتر به خانه کعبه وجود ندارد. (غفاری، بی تا، ص ۳۲-۳۳)

—علم به احاطه علمی خداوند

حج گزار باید عارف شود که ذات اقدس الهی به صحیفه قلب او و به درون او و رمز و راز او آگاه است. زائر باید در سرزمین عرفات آیه کریمه «وَإِنْ تَجَهَّرْ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَأَخْفَى» (سوره طه، آیه ۷) به خوبی درک کند. در آیه آمده است شما هر حرفی که می زنید و هر کاری را که انجام می دهید و هر سری را که در درونتان دارید خدا مستحضر است. اگر انسان بداند که قلبش در مشهد و محضر حق است همان طور که با جوارح خود مرتکب گناه نمی شود گناه خیالی و فکری هم نخواهد داشت و همان سان که بدنش را تطهیر می کند قلبش را نیز از خاطرات آلوده تنزیه می کند.

—شمولیت رحمت عام و خاص الهی

کوهی که در منطقه عرفات واقع شده است این کوه از جهات مختلف مورد توجه بوده و هست:
الف: پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) بر تخته سنگی از این کوه ایستاد و خطبه معروف عرفات را بیان کرد.

ب- امام حسین (علیه السلام) دعای عرفه را در دامنه این کوه خواند.



صعود بر جبل الرحمه باید انسان را عارف به این سرّ کند که خداوند نسبت به مرد و زن رحمت خاص و ولایت مخصوص دارد. نیل حج گزاران به چنین معرفتی در نحوه نگرش و ارتباط آنان با سایر افراد و جوامع تأثیر خواهد گزارد. (جوادی آملی، صهبای حج، ص ۴۱۹) راز و سرّ بالا رفتن از جبل الرحمه این است که بداند خداوند متعال بر هر مرد و زن مؤمن رئوف و رحیم است. ولی هر مرد و زن مسلمان است. گرچه ولایت خداوند متعال تکوینی است و او ولیّ کلّ است «هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ» (سوره کهف، آیه ۴۴) گرچه رحمت خداوند متعال فراگیر است اما آن ولایت و رحمت عام است و در کنار این ولایت و رحمت عامه، رحمت خاص و ویژه نیز دارد که برای همه نیست «رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ» (اعراف، ۱۵۶) رحمت خاص یعنی برای متقیان است. در بخش اول آیه مشخص فرمود که رحمتش فراگیر است «رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ» و در بخش دوم بیان شد که رحمتش به سود متقین است. فرمود: «سَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ» بر خود لازم کرده ام که رحمت خاص را شامل متقین سازم چراکه «كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ» (سوره انعام، آیه ۵۴) خداوند متعال رحمت را بر خود لازم کرده است رحمت خاص را به پرهیزکاران دهد.

بالای جبل الرحمه رفتن آدمی را به این سرّ و راز و رمز آشنا و عارف می کند که خداوند متعال رحمت و ولایت خاص دارد برای مرد وزن (با ایمان) و رحمت خاص دیگری دارد برای مرد و زن (مسلمان). بیعتی است که وقتی به این سرّ مزین شد نسبت به زن و مرد مؤمن رحمت خاص دارد و به آنان ولایت مخصوص پیدا می کند و در رفتار و گفتار و نوشتار خود این سرّ را پیاده می کند.

-توجه به شرایط امر به معروف و ناهی از منکر

نمره منطقه وسیعی در عرفات است که تقریباً در سمت مماس عرفات با حرم است. در امر به



معروف و نهی از منکر، عدالت و طهارت نفس آمر و ناهی از شرایط وجوب آن به شمار نیامده است، بلکه علم و آگاهی او از آن معروف یا منکر و احتمال تأثیر امر و نهی او جزو شرایط است. اما باطن آن بر اساس رازی که درباره "نمره" بیان شد، به عدالت بازمی گردد، یعنی آمر به معروف باید خود بدان مؤتمر بوده، ناهی و زاجر از منکر باید خود از آن منتهی و منزجر باشد. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۲۰۶)

حضرت سجاد (علیه السلام) فرمود: روز نهم که وارد سرزمین عرفات شدی و به این منطقه وسیع رسیدی، سرش آن است آگاه باشی این سرزمین، سرزمین شهادت، معرفت و عرفان است و می داند که چه کسانی بر روی آن گام می نهند و با چه انگیزه ای آمده اند و با چه انگیزه ای برمی گردند! گذشته از آن که خدا و فرشتگان هم شاهدند.

خداوند تعالی این منطقه و این سرزمین را شاهد اعمال شما قرار داد، بطوری که خوب می داند شما چه می کنید. زمین هایی که زیر پای زائران بیت خداوندی است، کاملاً مشخص است که زائر، حاجی و معتمر به چه نیت آمده و با چه نیت باز می گردد. (فاضلی، ۱۳۹۰، ص ۷۸)

– لزوم تأدب یافتن به آداب الهی جهت استیذان

ادب و قواعد اخلاقی به هر انسانی حکم می کند که قبل از ورود به حریم دیگران اجازه گرفته و با اطلاع قبلی وارد شود. حال اگر طرف مقابل از جایگاه و مرتبه بالاتر و ویژه ای برخوردار باشد ایدان گرفتن شرایط خاصی خواهد داشت و ادب مختصّ به خود را دارد. بنده ای که با عنایت و لطف پروردگار و مولای خویش می خواهد در حریم او گام نهد و مهمان ضیافت الهی گردد نیز باید برای ورود به این مهمانی اجازه گرفته و خود را آماده سازد.

وقوف عرفات، به منزله توقف پشت درب خانه خداست که باید آن جا ایستاد و سماجت کرد تا آن را بگشاید و اجازه ورود دهند به عبارت دیگر وقوف عرفات جهت استیذان و گرفتن اجازه نامه برای ورود به دربار ملکوتی حق تعالی است. در روایت آمده که سفیان ثوری به امام ششم عرض



کرد: یابن رسول الله، چرا باید (وقوف) در عرفات و خارج از حرم باشد؟ و در مشعر و داخل حرم نشده است؟ حضرت فرمود: کعبه خانه خداست و حرم به منزله حجاب و پرده ای است برای آن، و موقف به منزله باب آن، پس چون حجاج و زائرین بیت قصد آن نمایند باید پشت باب آن خانه تضرع و زاری کنند تا به آنها اذن داخل شدن در خانه دهند. (غفاری، بی تا، ص ۳۴)

در حدیثی حکایت شده که از امام علی (علیه السلام): «أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَ سُئِلَ عَنِ الْوُقُوفِ بِالْجَبَلِ لِمَ لَمْ يَكُنْ فِي الْحَرَمِ فَقَالَ لِأَنَّ الْكَعْبَةَ بَيْتُهُ وَ الْحَرَمَ بَابُهُ فَلَمَّا قَصَدُوهُ وَافِدِينَ وَفَفَهُمْ بِالْبَابِ يَتَضَرَّعُونَ» (کلینی، ۱۳۶۵ش، ج ۴، ص ۲۲۴، حدیث ۲)؛ در حدیثی حکایت شده که از امام علی (علیه السلام) در مورد مکان عرفات پرسش شده که چرا خارج از حرم مکه قرار گرفته است؟ حضرت فرمود: چون کعبه اتاق خداست و حرم خانه خداست و هنگامی که مهمانان می خواهند وارد خانه شوند در خانه می ایستند و به سوی خدا تضرع می کنند.

— سر عصر عرفات

وقوف در عرفات، عصر روز نهم است. در این جا سؤالی خودنمایی می کند و آن این که چرا عصر برای وقوف در عرفات انتخاب شده است؟ این سؤال را یک یهودی از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید. پیامبر (صلی الله علیه و آله) هم پاسخی لطیف به او داد که او را راضی کرد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «إِنَّ الْعَصْرَ هِيَ السَّاعَةُ الَّتِي عَصَى آدَمُ فِيهَا رَبَّهُ فَفَرَضَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَيَّ أُمَّتِي الْوُقُوفَ وَالتَّضَرُّعَ وَالدُّعَاءَ فِي أَحَبِّ الْمَوَاضِعِ إِلَيْهِ وَتَكَفَّلَ لَهُمْ بِالْجَنَّةِ وَالسَّاعَةَ الَّتِي يَنْصَرِفُ بِهَا النَّاسُ هِيَ السَّاعَةُ الَّتِي تَلْقَى فِيهَا آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ». (ابن بابویه قمی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۷۱)؛ «آن عصر ساعتی است که آدم نافرمانی پروردگار را کرد (ترک اولی نمود) پس خدا بر امت من مقرر کرد که در آن ساعت در بهترین مکان توقف کنند و زاری و دعا نمایند و



بهشت را برای آنان کارسازی نمود و ساعتی که مردم از عرفات خارج می شوند ساعتی است که آدم (علیه السلام) کلمات (خاصّ توبه) را از پروردگار دریافت کرد و توبه او پذیرفته شد.»

آثار وقوف در عرفات

حج، مطهر- روح آدمیان است، با حضور در سرزمین وحی، انسان از گناه شستشو داده می شود و تربیت شده به موطن خویش برمی گردد، در سایه اعمال سازنده حج است که خودخواهی و خودمحوری با ضربه ای قاطع از پای در می آید و فضای درون را برای خدا خواهی، خداجویی، خالی می کند. روح سازندگی و تعالی در مناسک عرفات نیز جریان دارد. حضور در عرفات در حالی که شخص به اسرار آن واقف باشد ثمرات فراوانی در دو بعد فردی و اجتماعی خواهد داشت.

۱. آثار فردی

از جمله ثمرات فردی حضور و وقوف در سرزمین مقدّس عرفات می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱-۱. وقوف در عرفات، یادآور کوتاهی عمر

مدّت زمان حضور در صحرای عرفات بیش از چند ساعت نیست و سپس مدّت کوتاهی باید عزم هدف بعدی را نمود. این خود، انسان را به این فکر وا می دارد که توقف او در دنیا نیز بدین سان کوتاه و گذراست، وقوف خود به معنای درنگ کوتاه و زودگذر است و این یعنی ای انسان زندگی نیز درنگی بیش نیست. پس بار سنگین گناه برنदार و آرزوهایت را دراز نکن، کاروان عرفات به سمت ابدیت در حرکت است. (ر.ک: درویش، ۱۳۸۲، ص ۱۰۸)

۱-۲. رهایی از گناه

از بزرگترین اثرات حضور در سرزمین مقدّس عرفات، وعده حتمی به آمرزش گناهان است. در عرفات انسان مهمان ویژه خدا است و مطابق با مضامین عالی روایات خداوند توبه این مهمان را

قبول می کند. (ر.ک: قرائتی، ۱۳۶۵، ص ۳۹)



۳-۱. آرامش و اقناع نفس

وقوف در عرفات، به انسان آرامش خاطر و اقناع نفس می بخشد، زیرا گرد آمدن در این صحرای مسطح مانند گروهی به هم پیوسته و منظم ناخود آگاه، ثمراتش این است که اجتماعی مطیع و پیرو قانون بار می آید. ایجاد فضای امن برای همه افراد و شمولیت رحمت واسعه الهی روح آدمی را از تلاطمات درونی و تعلقات و وابستگی ها رها می سازد و این به برکت دعای حضرت ابراهیم، بنیان گذار کعبه است آن جا که فرمود: «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا» (سوره بقره، آیه ۱۲۶) آن گاه که ابراهیم گفت: ای پروردگار من این (مکان) راشهری امن قرار ده. (غفاری، بی تا، ص ۳۴ و ۳۵)

۴-۱. نظم و انضباط

در جهان امروز منابع انسانی از مهم ترین ثروت ملت ها محسوب می شود. البته نیروی انسانی کارآمد، تربیت شده و دارای روحیه مقاوم چنین ارزشی دارد. به همین جهت در کشورهای مختلف از همان دوران نوجوانی برنامه هایی خاص در راستای تربیت و پرورش و آماده سازی افراد جامعه تدارک دیده می شود و از برنامه های فرهنگی - تبلیغی تا فراهم کردن شرایطی که در ضمن آن افراد با درک سختی ظاهری اصول و ارزش های مثل ولایت پذیری و نظم و انضباط را فرا می گیرند و این خود اندک شباهتی به وقوف در عرفات دارد که یک مرتبه در سال، ملل مسلمان طبق برنامه مخصوص دینی انجام می دهند.

علاوه بر برنامه های فرهنگی برگزار می شود دوره های نظامی یکی از موسسات همه کشورهاست که با هدف آماده سازی نیروهای انسانی انجام می گیرد. روح عمل حج علاوه بر آن خاصیت که در تمرین های نظامی است به اصول و ملاکاتی هم چون نظم و ایمان آمیخته می شود. حجاج در سه جایگاه (عرفات، مشعر، منی) بر حسب خط سیری که دارند، نظامی وار اقامت می کنند و بدین



روش، آنان اردوگاهی را واگذار و به طرف اردوگاه دیگری حرکت می نمایند و از همه عالی تر آن که در طول این مدت هر یک از این سپاهیان باید در لباس احرام باشند. (ر.ک: امامی خوانساری، ۱۳۸۵، صص ۲۳ - ۲۴)

اجرای منظم این اعمال در عین قوانین دقیق و مهم تر از همه در قالب کار جمعی و گروهی موجب پرورش روحیه نظم در افراد خواهد شد.

۵-۱. وقوف در صحرای عرفات، یادآور روزرستاخیز

حج گزار، زمانی که در صحرای عرفات حاضر می شود، با نظر به ازدحام خلایق، بلندی صداها و تضرع و زاری افراد و صحرایی که عاری از ساختمان ها و بناها و زندگی ماشینی و مظاهری است، یادآور عرصه قیامت و احوال آن روز پر از وحشت می شود. بدیهی است که در این حال روزی را متذکر خواهد شد که با سرو پای برهنه برانگیخته می گردد و بر هیچ چیز، جز عمل خود اتکایی نخواهند داشت. در این حال منظره قیامت و اجتماع خلایق را در آن هنگامه عظیم در نظر می آورد، زیرامردمی که در این جا گرد هم می آیند از خانواده و خانه، شغل و دیگر مظاهر دنیوی دور افتاده، لباس آنان، همان لباسهای ساده احرام و خانه آنان، همان چادرها است که هرگز تشریفاتی ندارد. (ر.ک: حجتی، ۱۳۸۰، ص ۹۷)

۶-۱. خودشناسی

ایام حج و مناسک آن به ویژه سرزمین عرفات بهترین فرصت برای رهایی از خود بینی و هجرت از بیت نفس است.

قرآن کریم در تبیین هجرت مکانی چنین فرمود: (از پلیدی مهاجرت کن «...و الرُّجْزَ فَاهْجُرْ...» (سوره مدثر، آیه ۵)؛ اگر کسی از پلیدی هجرت کند و از تنگنای طبیعت به درآید خداوند خود عهده

دار اجر اوست. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۲۱۰)



وقوف در عرفات را نباید رکودی پنداشت. این توقف گویا بدین منظور که مبدأ ۲ وقوف دیگر است لازم به نظر می رسد تا حاجیان در خود بیندیشند و فکر خود را در اوضاع گذشته خویش به کار اندازند تا از این رهگذر بتوانند آینده ای بهتر را برای خود رقم زنند.

بنابراین چنین وقوفی سرشار از پویایی و اندیشه است که اگر درست انجام گیرد به تحرکی بس شگرف در زندگانی خود می رسد که به خودسازی و بازسازی بناء شخصیت انسانی او می انجامد. (حجتی، ۱۳۸۰، ص ۹۹)

در روایات به تفکر در صحرای عرفات سفارش شده است، از جمله نگاه به گذشته و اعمال خویش و بررسی آن ها، گذرا بودن دنیا و آمادگی برای آخرت، برشمردن نعمات الهی و... همگی اینها به انسان کمک می کند تا شناخت دقیق تری از خود، استعدادها و جایگاهش در نظام آفرینش داشته باشد و بتواند هدف و کمال حقیقی خود را شناسایی و برای نیل به آن برنامه ریزی کند.

اساساً آن چه را انسان نقطه مطلوب خود بشناسد، در دسترسی به آن، به سختی شتاب می ورزد. زیرا طبیعت انسان، منفعت طلبی است و هر چه مورد پسندش باشد در راه رسیدن به آن تلاش می کند، در نتیجه انسان با این وقوف و تأمل در خود و استعدادها و اهدافش در خواهد یافت بدون اتصال به منبع لایزال الهی و شناخت و پرستش خدا به آن چه کمال حقیقی اوست نخواهد رسید، بدین جهت خودشناسی در صحرای عرفات مقدمه ای برای خداشناسی و زمینه آن خواهد بود. (ممدوحی، ۱۳۸۶، ص ۸۱)

۲. آثار اجتماعی

۱-۲. ارتباط با جهان اسلام

خداوند کعبه را خانه امن قرار داد تا همه مردم در آن جا قیام نموده و برای ارتباط و نزدیکی با یکدیگر و مشارکت در امور مسلمین همّت گمارند و اوضاع جهان اسلام در هر سال مورد بررسی قرار گیرد. این امر در عرصه عرفات ظهور و بروز بیشتری پیدا می کند زیرا بهترین فرصت زمانی



است که از اعمال عمره فارغ شده اند و هنوز اعمال حج را انجام نداده اند. آری این زمان بهترین فرصت برای تماس با مردم کشورهای اسلامی است. مسلمانان باید به بررسی مشکلات عمومی پرداخته و در راه رفع آن ها با مشورت همگانی کوشش کنند. (قرائتی، ۱۳۷۶، ش ۱۴۴، ص ۱۶)

وقوف عرفات، یک فستیوال یا کنگره مذهبی ملتها و نژادهای مختلف و طوائف مسلمین است که با هم آشنا و در پرتو این آشنایی می توانند به حوائج یکدیگر آگاهی یافته رفع مشکلات نمایند. (غفاری، بی تا، ص ۳۵)

رابطه میان حکومت‌های حاکم بر کشور های اسلامی با قدرت های استکباری در سطح جهان تحلیل می شود و کیفیت روابط سیاسی، اقتصادی و بازرگانی از دیدگاه اسلام مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد. نگاه جامعه جهانی به این گردهمایی با شکوه و پیام آن است به همین جهت نحوه رفتار، تعامل و هماهنگی ملت ها بسیار حائز اهمیت خواهد بود. بسیاری از مفاهیم که به جهت انسورهای رسانه ای به گوش ملت های مسلمان نمی رسد توسط رسانه حج و عرفات می تواند باز نشر شود. اقدام بعثه رهبری به برگزاری مراسم برائت از مشرکین و پیام هرساله مقام عظمای ولایت به کنگره حج، جهت تحقق این مهم است.

ارتباط دیگری که در کنگره جهانی حج باید تحقق عینی و عملی داشته باشد روابط متقابل مذاهب و فرق گوناگون اسلامی است زیرا حج کانون اصلی تبادل فکری و بهترین مرکز نقل دارالتقرب بین مذاهب بوده و به طوری که تبادل افکار ادیان اسلامی در طول تاریخ بشر و مناظره های اعتقادی، فلسفی و کلامی در زمان پیامبر خدا و ائمه معصومین (علیه السلام) در شهر مکه، و مرکز وحی انجام می گرفت و در قرن حاضر گنکره جهانی حج می تواند راهکارهای مناظره فکری، علمی و فلسفی میان مذاهب را فراهم سازد تا در یک جدال أحسن قول شایسته نمود پیدا کند.

۲-۲. حج، کانون وحدت مسلمین برای تشکیل امت واحده

عرفات و وقوف در آن سمبل و رمز نشانه ای است که مسلمانان به دورافتاده از یکدیگر می توانند



در این کانون تجمّع، به تعارف و شناخت یکدیگر توفیق یابند و به تألف، انس و همبستگی با یکدیگر نائل آیند و تشّت و بیگانگی و پراکندگی خود را به این که از سرزمینهای به دور از یکدیگر بدینجا می آیند - با آمدن وقوف در این جایگاه در اختیار همبستگی و پیوستگی دینی و انسانی بسپزند، و غربت خود را از این رهگذر به قربت و قرابت باز آورند. (حجتی، ۱۳۸۰، ص ۱۰۱)

وقوف و درنگ در عرفات، در صحرائی معین، در روزی مختص، رمزی آموزنده را بدنبال دارد. رمزی که فهم و درک آن برتری و توانائی ملت اسلام را در بر می گیرد. جلوه وحدت، هماهنگی و یکپارچگی مسلمین نتیجه و اثر این گردهمائی است. زیرا صحرای عرفات در روز نهم ذی الحجه پذیرای صدها هزار مسلمان با نژاد و رنگ و شکل و قیافه های گوناگون از سراسر جهان است که فرمان خدا را پاسخ گفته و تلاش کرده اند، که فرصت زمانی از دست نرود و خود به آن مکان معین برسانند و آن موج عظیم را شکل دهند جمعیتی که همه اختلافات و گوناگونی را یک سو نهاده هر گونه علاقه و آرایش و دلبستگی را رها کرده، لباس یکرنگ، هدف و آرزوی واحد، با یک زبان در کنار و پهلوی هم، می گویند: یا الله، یا ربه این نمود ظاهری که در اثر گردهمائی گروه های مسلمان به فرمان خدا در زمان و مکان معین فراهم آمده رشد و دوام ملت اسلام را تأمین می کند.

جدال و مبارزه سیاسی بدون تشکیلات منسجم و ارتباطات منطقی میان کشورهای اسلامی و تنظیم روابط بین الملل در چارچوب "کنفرانس جهان اسلام" و سایر نهادهای حقوقی و بین المللی که باید ایجاد و گسترش یابد، امکان پذیر نیست، همان طوری که تاریخ اسلام بیانگر این ضرورت است و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله و سلم) در بدو هجرت و استقرار در مدینه با تدوین قانون اساسی و بنیاد اولین حکومت اسلامی در مقابل حاکمیت کفر، شرک و نفاق نهادهای اساسی را تأسیس نموده و در طول ده سال حکومت اسلامی به پیروزی های بزرگ هم چون فتح مکه



ناثل شد. مناسک حج و مجمع عرفات فرصت مناسبی برای رایزنی در جهت ایجاد تشکیلات منسجم و تعریف روابط پویا میان دولت ها و ملت های اسلامی است.

۳-۲. زمینه مساعد برای ابلاغ و ترویج معارف دینی

در صحرای عرفات عمل واجب تنها وقوف است به همین خاطر افراد فرصت بیشتری برای تعامل با یکدیگر دارند. به همین جهت زمینه مستعدی برای تبلیغات دین و ترویج احکام اسلامی و معارف الهی به شمار می آید. هر کدام از حاجیان در بازگشت به موطن خود به عنوان یک مبلغ بالقوه محسوب می شود. همین ویژگی باعث شده تجمعات در این صحرا غالباً مقرون با ابلاغ معارف از جانب ائمه اطهار (علیهم السلام) باشد. لذا رسول خدا در سفر حجه الوداع، در این سرزمین، قوانین کلی دائمی وادی خود را به مردمان اعلان فرمود. موضوعاتی که در نظر مبارک آن حضرت، اهمیت بیشتری داشته مانند: خودداری از تجاوز به مال غیر، خونریزی و رعایت حال زیردستان، در آن هنگامه بی نظیر و روز تاریخی که آخرین سفر حضرت بوده و می باید مهم ترین مطلب به گوش مردم برسد ضمن خطبه غرّائی به جهانیان ابلاغ و خدای تعالی را بر تبلیغات خود گواه گرفت. (خدا کرمی زنجانی، ۱۳۷۳، صص ۳۲۷-۳۲۸)

این فرصت قبل از شروع اعمال زمینه خوبی برای ایجاد تعامل و ارتباط میان قومیت های مختلف است. البته تبلیغ و ترویج حقایق دینی می تواند در سطوح مختلف از روابط ملت ها، شهرها و هم کاروانی ها انجام پذیرد. با توجه به تبلیغات تخریبی و گسترده وهابیت در جهت تخریب فرهنگ و چهره شیعه، آگاه کردن همسفران حداقل کاری است که می تواند انجام گیرد. زائر در طول سفر با فرصتی با ارزش و فراغتی ملکوتی مواجه می شود بنابراین بهترین عمل آن است که بخشی از زمان خود را هزینه گفتگوی دینی، تربیتی، علمی، و اخلاقی کند تا از این طریق خود را به معارف دینی بیاراید. این چنین حج می تواند سبب تحولات روحی و اخلاقی عظیم در زائران شود. اسلام، تشکیل چنین محافل علمی و استفاده از دانش عالم را از اعظم عبادات شمرده است.



دعا و عرفه

همان طور که پیش از این اشاره شد برای شب و روز عرفه ادعیه بسیاری وارد گردیده که بسیار هم به خواندن آن ها تأکید شده است، دعا‌های وارده غالباً متضمن توبه و انابه، به درگاه الهی نیز می باشند از طرفی دانسته شد که وقوف خود عمل واجب در عرفات محسوب می شود و برای فرصتی که در آن جا وجود دارد توصیه به دعا و توبه شده است علاوه بر آن که در وجه تسمیه عرفات دانسته شد یکی از وجوه به جهت اعتراف کردن به گناهان و اظهار پشیمانی از آن ها است. بنابراین دعا و توبه ۲ رکن اساسی و جدا نشدنی از عرفات هستند بدین جهت به تبیین جایگاه هر یک در این سرزمین مقدس می پردازیم.

دعا، عامل تقرب به خداوند

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ الدُّعَاءُ كَهْفُ الْإِجَابَةِ كَمَا أَنَّ السَّحَابَ كَهْفُ الْمَطَرِ» (کلینی، ۱۳۴۸ ش، ج ۲، ص ۴۷۱)؛ ابر، قرارگاه باران است، دعا نیز قرارگاه اجابت است.

نقش نیایش در وصول به رحمت بیکران الهی، با بیان امام صادق (علیه السلام) که فرمودند به خوبی روشن است. طبق این بیان نورانی همان طور که ابر، قرارگاه باران است، دعا نیز قرارگاه اجابت است. به بیان دیگر، اجابت در درون دعاست، همان طور که باران در نهاد ابر تعبیه شده است. حقیقت دعا گرایش به خدا و یاری خواستن از رحمت اوست. بلکه می توان گفت روح عبادت و حقیقت بندگی دعاست. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۰، ص ۳۰۰)؛ اساساً باب دعا، باب وسیعی است که از خزائن رحمت و کرم نامتناهی پروردگار، به روی بندگان، مفتوح شده است. برکات عالی که از این جهت، نصیب انسان های پاکدل می شود، با تمام نتایج سایر ابواب سعادت برابری می کند، با این تفاوت که سنگینی اعمال بدنی دیگر عبادات را هم ندارد. (ملکی تبریزی، ۱۳۷۵،

ص ۲۳۱)



دعا، طریق جلب رحمت الهی

از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده است: «يَدْخُلُ الْجَنَّةَ رَجُلَانِ كَانَا يَعْلَمَانِ عَمَلًا وَاحِدًا فَيَرَى أَحَدَهُمَا صَاحِبِهِ فَوْقَهُ، فَيَقُولُ يَا رَبِّ بِمَا أُعْطِينَهُ وَكَانَ عَمَلْنَا وَاحِدًا؟ فَيَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى تَسَأَلْنِي. ثُمَّ قَالَ (صلی الله علیه و آله و سلم) اسْئَلُوا اللَّهَ وَاجْزِلُوا فَإِنَّهُ لَا يَتَعَاطَمُهُ شَيْءٌ» (خوبی، ۱۳۸۶ق، ج ۴، ص ۲۶۳)؛ دو مرد وارد بهشت می شوند در حالی که هر دو به یک طریق عمل کرده اند. یکی از آن دو ببیند که مرتبه دیگری بالاتر از اوست. می گوید: ای پروردگار من او را به چه چیز به این مرتبه رسانده ای و حال آنکه هر دو دارای یک عمل بوده ایم؟ خداوند میفرماید: او از من تقاضا می کرد و تو مسألت نمی کردی. سپس رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: از خدا سؤال و طلب نمایند و بسیار هم طلب کنید، چه اینکه هیچ چیز در نظر خدا بزرگ نمی آید.

شرایط استجاب و قبولی دعا

در احادیث و روایات برای اجابت دعا شرایط متعددی بیان شده که در اینجا به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

شرط اول: معرفت پروردگار

حضرت جعفرین محمد (علیه السلام) در جواب قومی که پرسیدند، ما دعا می کنیم ولی مستجاب نمی شود؟ فرمود: چون کسی را می خوانید که نمی شناسید «لِإِنَّكُمْ تَدْعُونَ مَنْ لَا تَعْرِفُونَهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۰، ص ۳۶۸)؛ از حضرت علی (علیه السلام) سؤال شد: «فَمَا بَالُنَا نَدْعُو فَلَا يُجَابُ؟» چرا دعای ما مستجاب نمی شود؟ حضرت فرمود: «أَلْ إِنَّ قُلُوبَكُمْ خَائِتٌ بِمَنْ خِصَالٍ - أُولَئِكَ عَرَفْتُمُ اللَّهَ فَلَمْ تُؤَدُّوا حَقَّهُ كَمَا أُوجِبَ عَلَيْكُمْ...» (همان، ج ۹۰، ص ۳۷۶)؛ زیرا دل‌های شما به هشت چیز خیانت کرده، نخست این که شما نسبت به خداوند معرفت و شناخت پیدا



کردید، ولی حق معرفت را عمالادا نکردید.

شرط دوم: پرهیز از حرام

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «إِذَا كَانَ الدَّاعِي مَطْعُمُهُ حَرَامًا وَ غُذِيَ بِحَرَامٍ فَأَنَّى

يُسْتَجَابُ لِذَلِكَ.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۰، ص ۳۲۱)؛ رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:

(هر کس می خواهد دعایش مستجاب شود باید لقمه و شغلش حلال باشد).

حضرت باقر(علیه السلام) فرمادند: «إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ يُسْتَجَابَ لَهُ فَلْيُطِيبْ كَسْبَهُ وَ لِيُخْرِجْ مِنْ مَطَالِمِ

النَّاسِ وَ إِنَّ اللَّهَ لَا يُرْفَعُ إِلَيْهِ دُعَاءُ عَبْدٍ وَ فِي بَطْنِهِ حَرَامٌ أَوْ عِنْدَهُ مَظْلَمَةٌ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ.» (همان)

حضرت باقر (علیه السلام) فرمودند: خداوند دعای بنده ای را که بر عهده اش، مظالم و حقوق مردم یا

غذای حرام بخورد، قبول نمی کند.

شرط سوم: حضور قلب

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «ادْعُوا اللَّهَ وَ أَنْتُمْ مُوقِنُونَ بِالْإِجَابَةِ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ لَا

يَسْتَجِيبُ دُعَاءَ مَنْ قَلْبٌ غَافِلٌ لَهُ.» (همان)؛ رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: خداوند

دعای کسی را که حضور قلب ندارد قبول نمی کند.

شرط چهارم: به کسی ظلم نکرده باشد

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «قَالَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَا أُجِيبُ دَعْوَةَ مَظْلُومٍ ظَلَمَهَا وَ لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِثْلُ

تِلْكَ الْمَظْلَمَةِ.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ص ۳۲۰)؛ امام صادق (علیه السلام) فرمودند: خداوند به عزت و

جلال خود قسم یاد کرده که من دعای مظلومی را که خود در حق دیگری ظلمی نموده است

مستجاب نمی کنم.



شرط پنجم: آغاز دعا با نام خداوند و صلوات بر محمد و آل محمد

– رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «صَلَّاتُكُمْ عَلَيَّ إِجَابَةٌ لِدُعَائِكُمْ وَ زَكَاةٌ لِأَعْمَالِكُمْ» (همان، ج ۹۱، ص ۵۴)؛ صلوات شما بر من مایه اجابت دعای شما خواهد بود.

– رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «لَا يُرَدُّ دُعَاءُ أَوْلَىٰ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» (همان، ج ۹۰، ص ۳۱۳)؛ رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: (دعایی که اولش بسم الله الرحمن الرحيم) باشد رد نمی شود.

دعا سلاح تیز و برنده ی استواری است. که به کمک عقل میشتابد و اندیشه را در پیروزی بر اهریمن نافذتر میسازد. دستور به دعا در آغاز هر کار برای آن است که دل را به یاد خدا از آلودگی و بیماری اخلاقی پاک سازد. اندام و اعضاء که از دلی پاک فرمان بگیرند. به زشتی و گناه کشیده نمی شوند و از هر گونه آفتی بازداشته می شوند. و این مفهوم ”همیشه بیاد خدا بودن است“ که اهل دل و عرفان از آن تعبیر به حالت حضور در پیشگاه خدا می نمایند.

« اذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَ خِيفَةً » (اعراف، ۲۰۵) پروردگار خویش را در ضمیر، به زاری و بیم یاد کن.

در درون به یاد خدا بودن. نتیجه اش آن است که پندار و رفتار انسان در همه احوال بیاد خدا باشد و این است مفهوم ”ذکر خفی“ که انسان جلوه ی نعمت و اثر قدرت خدا را همواره در خود احساس کند و این است معنی: ”اندیشیدن“.

یعنی ”بهترین عبادت“ که اثر آن در اعضا آشکار می گردد و و هیچ عضوی از اندام انسان گناهی را مرتکب نمی شود. چون اعضا آلت هائی اند که از فکر برانگیخته می شوند. هر گاه فکر به خدا توجه داشت، اعضاء نیز کار غیر خدا نکنند. (مظفری، ۱۳۷۹، ص ۲۲۸)



عرفات، سرزمین دعا

همه حالات زندگی برای نیایش مناسب است. لکن دوران پر بار حج و حضور در مواقف آن، شکوه بیشتری برای دعا و تأثیر فراوان تری برای نیایش دارد. عرفات محلّ دعا و توبه است. وقوف در عرفات اگرچه از نظر زمان محدود است، امام از نظر آثار و نتایج معنوی و برکات آسمانی که عاید حاضران در موقف می شود، فوق العاده عظیم است.

دعا و تضرّع به درگاه خدا و طلب حوائج دنیا و عقبی از اهمّ اعمال این روز است، تا آن جا که فرموده اند: «عن حماد عن ابراهیم قال رسول الله (صلی الله علیه و آله) وَ صَوْمُ عَرَفَةَ كَفَّارَةٌ سَنَتَيْنِ سَنَةَ قَبْلَهُ وَ سَنَةَ بَعْدَهُ» (نوری، ۱۴۱۷ق، ج ۷، ص ۵۲۹)؛ روزه عرفه گناهان ۲ سال قبل و بعد از آن است.

حنان بن سدید از ابی جعفر «سَأَلْتُهُ عَنْ صَوْمِ عَرَفَةَ فَقُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ إِنَّهُمْ يَزْعُمُونَ أَنَّهُ يَعْدِلُ صِيَامَ سَنَةٍ قَالَ كَانَ أَبِي عَ لَا يَصُومُهُ قُلْتُ وَ لِمَ ذَلِكَ جُعِلَتْ فِدَاكَ قَالَ يَوْمُ عَرَفَةَ يَوْمُ دُعَاءٍ وَ مَسْأَلَةٍ فَاتَخَوَّفُ أَنْ يُضْعِفَنِي عَنِ الدُّعَاءِ وَ أَكْرَهُ أَنْ أَصُومَهُ وَ اتَّخَوَّفُ أَنْ يَكُونَ عَرَفَةَ يَوْمَ الْأَضْحَى وَ لَيْسَ بِيَوْمِ صَوْمٍ» (همان، ص ۵۲۷)؛ حنان بن سدید از پدرش نقل می کند که از ابی جعفر درباره روز عرفه پرسیدم و عرض کردم فدایت شوم آنها (اهل سنت) گمان می کنند روزه آن روز برابر روزه یک سال اسیت. فرمود: پدرم آن روز را روزه نمی گرفت (من هم نمی گیرم). عرض کردم فدایت شوم چرا؟ فرمود: روز عرفه روز دعا و درخواست از خداست بیم آن دارم که ضعف روزه مرا از دعا باز دارد.

نهی طلب از دیگری در صحرای عرفات: امام سجاد (علیه السلام) به ساتلی که در عرفات از مردم گدایی می کرد، فرمود: «وَيَحْكُ أَغْيَرَ اللَّهِ تَسْأَلُ فِي هَذَا الْمَقَامِ إِنَّهُ لِيُرْجِلَهَا فِي بَطُونِ الْحِبَالِ



فِي هَذَا الْيَوْمِ أَنْ يَكُونَ سَعِيدًا» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۹، ص ۲۹۲)؛ وای بر تو، در چنین روزی از غیر خدا طلب می کنی و حال آنکه امروز آن چنان رحمت خدا شامل و عام است که امید می رود آن چه در شکم مادران است نیز مورد لطف خداوندی قرار می گیرند.

-نکوهش ناامیدی در عرصه عرفات: مردی در مسجدالحرام از امام صادق (علیه السلام) پرسید: چه کسی گناهِش از گناه همه کس بزرگتر است؟ فرمود: «فَقَالَ مَنْ يَقِفُ بِهَذَيْنِ الْمُوقِفَيْنِ عَرَفَةَ وَالْمُزْدَلِفَةَ وَ سَعَى بَيْنَ هَذَيْنِ الْجَبَلَيْنِ ثُمَّ طَافَ بِهَذَا النَّبْتِ وَ صَلَّى خَلْفَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ ثُمَّ قَالَ فِي نَفْسِهِ أَوْ ظَنَّ أَنَّ اللَّهَ لَمْ يَغْفِرْ لَهُ فَهُوَ مِنْ أَعْظَمِ النَّاسِ وَ زُرًّا.» (فیض کاشانی، ج ۲، ۱۳۷۹، ص ۵۴۱) کسی که در این دو موقف - عرفه و مشعر - وقوف کند و بین دو کوه صفا و مروه سعی نماید... در عین حال پیش خود بگوید یا گمان کند که خدا او را نیامرزیده است، این آدم از همه کس گناهِش بزرگتر است.

- وعده استجاب دعا برای همگان: بر طبق روایاتی، همه حاضران در عرفات دعای مستجاب دارند چه نیکان و چه بدان. قال ابو جعفر الباقر: «مَا مِنْ بَرٍّ وَ لَا فَاجِرٍ يَقِفُ بِجِبَالِ عَرَفَاتٍ فَيَدْعُو اللَّهَ إِلَّا اسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُ، أَمَا الْبُرُّ فَفِي حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، وَ أَمَا الْفَاجِرُ فَفِي أَمْرِ الدُّنْيَا» (حمیری، ۱۴۱۳ق، جلد ۱، ص ۳۷۶)

احدی از نیکان و بدان نیست که بر این کوهها وقوف کند مگر اینکه خدا دعای او را به اجابت می رساند. دعای نیکان نسبت به امور دنیا و آخرتشان مستجاب می شود، ولی دعای بدکاران درباره دنیایشان مستجاب می شود.

دعا برای همه: «رَوَى ابْنُ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ زَيْدِ النَّرْسِيِّ قَالَ كُنْتُ مَعَ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ فِي الْمَوْقِفِ وَ هُوَ يَدْعُو فَتَقَدَّدْتُ دُمُوعَهُ فَمَا رَأَيْتُهُ يَدْعُو لِنَفْسِهِ بِحَرْفٍ وَ رَأَيْتُهُ يَدْعُو لِرَجُلٍ رَجُلٍ مِنَ الْأَفَاقِ وَ يُسَمِّيهِمْ



و يُسَمِّي آبَاءَهُمْ حَتَّى أَفَاضَ النَّاسُ فُقُلْتُ لَهُ يَا عَمَّ لَقَدْ رَأَيْتُ مِنْكَ عَجَبًا قَالَ وَ مَا أَلَذِي أَعْجَبَكَ مِمَّا رَأَيْتَ قُلْتُ إِبْنَارُكَ إِخْوَانِكَ عَلَى نَفْسِكَ فِي مِثْلِ هَذَا الْمَوْضِعِ وَ تَفَقَّدَكَ رَجُلًا رَجُلًا فَقَالَ لِي لَا تَعْجَبْ [لَا يَكُونُ تَعْجَبُكَ] مِنْ هَذَا يَا ابْنَ أَخِي فَإِنِّي سَمِعْتُ مَوْلَايَ وَ مَوْلَاكَ وَ مَوْلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ وَ كَانَ وَ اللَّهُ سَيِّدٌ مِنْ مَضَى وَ سَيِّدٌ مِنْ بَقِي بَعْدَ آبَائِهِ عَ وَ إِلا صَمَّتَا أَدْنَا مُعَاوِيَةَ وَ عَمِيَّتَا عَيْنَاهُ وَ لَا نَالْتُهُ شَفَاعَةُ مُحَمَّدٍ صَ إِنْ لَمْ يَكُنْ سَمِعْتُهُ مِنْهُ وَ هُوَ يَقُولُ مَنْ دَعَا لِأَخِيهِ فِي ظَهْرِ الْغَيْبِ نَادَاهُ مَلِكٌ مِنْ السَّمَاءِ الدُّنْيَا يَا عَبْدَ اللَّهِ» (فهد حلی، ۱۳۸۱، ص ۱۳۶)؛ «ابن ابی عمیر از زید نرسی روایت کرده که گفت: با معاویه بن وهب در عرفات بودم و او دعا می کرد. سپس گوش به دعای او دادم و ندیدم که برای خود دعا کند حتی یک کلمه. یک یک را در آفاق دعا می کرد و ایشان و پدرانشان را نام می برد تا مردم از عرفات بازگشتند. به او گفتم: ای عم! از تو امر عجیبی دیدم. گفت:؟ چیست آنچه که تو را به تعجب آورده است؟ گفتم: این که مردم را بر نفس خود در چنین موضعی اختیار کردی و اینکه یک یک آنان را در این جا یاد کردی. به من گفت: از این جای تعجب نیست، ای پسر برادر من! به درستی که شنیده ام از مولای خود و مولای تو و مولای هم مؤمن و مؤمنه ای و - به خدا سوگند او سید گذشتگان بود بعد از پدران بزرگوار خود - که فرمود: هر که از برادر مؤمن خود غایبانه دعا کند، هر فرشته ای از آسمان دنیا ندا می کند: ای بنده خدا! مرا تراست هزار برابر آنچه طلب کردی. پس کدام یک از این دو امر عظیم بزرگ تر است، ای پسر برادر من؟! آنچه را که من از برای نفس خود اختیار کردم یا آنچه تو مرا به آن امر می کنی؟»

توبه و عرفات

دانسته شده یکی از وجوه نامگذاری این صحرا به عرفات، اعتراف به گناهان و توبه می باشد بنابراین زائر خانه خدا باید با توبه و بایسته های آن آشنا گردد تا بهره کافی از حضور در آن



سرزمین مقدس بدست آورد.

تعریف توبه: وجود انسان از نیکی و بدی سرشته شده و هم از این رو پندارش و کردارش از بدی مصون نیست، زیرا خیر محض تنها از فرشته بر می آید، بنابراین، راهی باید تا انسان بدکار از ورطه بدی رها گردد و به نیکی و خیر رهنمون شود. توبه فراخترین و کوتاهترین راهی است که فرا روی انسان گشوده شده تا هر گاه هجرت از بدی را وجهه همت خود قرار داد، از آن راه به ساحت صلاح باریابد. (جباران، ۱۳۸۴، ص ۱۷۶): توبه در لغت به معنی بازگشت است و هنگامی که با (علی) متعدی شود، به معنی گذشت و بخشش استعمال می شود.

فضیلت توبه: بی شک توبه بهترین کاری است که انسان در هر شرایطی می تواند انجام دهد، چرا که توبه چیزی جز رفع نقص، هجرت از بدی و حرکت به سوی خیر و نیکی نیست.

« قَالَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَادَاً تَابَ الْعَبْدُ تَوْبَةً نَّصُوحاً أَحَبَّهُ اللَّهُ فَسْتَرَ عَلَيْهِ فَقُلْتُ وَ كَيْفَ يَسْتُرُ عَلَيْهِ قَالَ يُسِي مَلَكِيهِ مَا كَانَا يَكْتُبَانِ عَلَيْهِ وَيُوحِي اللَّهُ إِلَيْ جَوَارِحِهِ وَإِلَى بَقَاعِ الْأَرْضِ أَنْ أَكْتُمِي عَلَيْهِ ذُنُوبَهُ فَيَلْقَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ حِينَ يَلْقَاهُ وَ لَيْسَ شَيْءٌ يَشْهَدُ عَلَيْهِ بِشَيْءٍ مِنَ الذُّنُوبِ » (کلینی، ۱۳۸۹ق، ج ۲، ص ۳۳۶. ر.ک: حرعاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۳۵۷)

هنگامی که بنده ای خالصانه توبه می کند، خدا دوستش دارد و بر عیوب او پرده می پوشد.

امام باقر (علیه السلام) می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَشَدُّ فَرَحًا بِتَوْبَةِ عَبْدِهِ مِنْ رَجُلٍ أَضَلَّ رَأْسَهُ وَ زَادَهُ فِي لَيْلَةٍ ظُلْمَاءَ فَوْجَدَهَا» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶، ص ۴۰)

سرور و خوشحالی خداوند به سبب توبه بنده اش از خوشحالی کسی که زاد و راحله گمشده خود را در شب تاریک پیدا می کند، بیشتر است.



شرایط توبه: توبه و بازگشت از گناهان صرف لقلقه زبان مؤثر و پذیرفته نخواهد بود بلکه برای

محقق شدن آن شرایطی ذکر گردیده است که مهم ترین شرایط توبه عبارت است از:

۱- **پشیمانی از گناه:** چه بسا کسانی که با زبان، توبه می کنند، ولی از عمل خود پشیمان

نیستند، روشن است در چنین حالتی قلب از کدورت گناه پاک نمی شود.

۲- **جبران و تدارک:** آثار گناه با نور طاعت محو می شود. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می

فرماید: «إِتَّبَعَ السَّيِّئَةَ بِالْحَسَنَةِ تُمَحَّه» (سرخسی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۵، ص ۱۱۰)؛ بعد از کار زشت کار نیکو

انجام ده تا آن را محو کند.

۳- **پیوستگی:** شرط دیگر توبه آن است که بی درنگ پس از گناه باشد تا قبل از آنکه پلیدی گناه

بر قلب متراکم و اثر گذار شود، با توبه زدوده شود.

قرآن کریم می فرماید: «إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ

قَرِيبٍ» (سوره نساء، آیه ۱۷)؛ خداوند فقط توبه کسانی را می پذیرد که از روی نادانی عمل زشتی را

مرتکب شده و فوری توبه می کنند.

نتیجه استغفار

لازم است تائب به مقام غفاریت خدا پناه برد و حالت استغفار به دست آورد و از آن ذات مقدس با

زبان قال و حال و آشکارا و نهان بخواهد که گناهانش را بر او ببوشاند. مقام غفاریت و ستاریت

خدا اقتضا می کند که عیب پوشی کند و تبعات گناهان را ببخشد. او همه موجودات و فرشتگان

و ثبت کنندگان جرائم و مکان و زمان و اعضاء و جوارح گناه کار را از گناه محجوب می کند و از

یاد همه این ها می برد، ممکن است به اعضاء و جوارح و زمین و مکان وحی کند که گناهان را

کتمان کنند، یا فرمان دهد شهادت ندهند، یا شاید مراد، رفع آثار معاصی از اعضاء باشد که به



واسطه شهادت تکوینی حاصل می آید. همچنان که مقام ستّاریت او اقتضا کرده که الآن که در این عالم هستیم، اعضای ما و زمان و مکان بر اعمال ما شهادت نمی دهند و کرده های ما را مستور می دارند، اگر توبه خالص کنیم، در عوالم دیگر هم اعمال ما را مستور می دارند یا از اعمال ما به کلی محجوب می شوند و شاید مقتضای کرامت خدا دوّمی باشد، تا انسان تائب پیش احدی سرافکنده و خجلت زده نباشد. (محدثی، ۱۳۸۹، ص ۱۷۱)

نشان پذیرش توبه

نشان کامیابی در توبه و بازگشت به خدا آن است که شخص از گناه و تباهی عمر پشیمان شود و بر بیماری دل حسرت خورده، دل که آتش در حسرت گداخت ریشه گناه را می سوزاند. لازم است پس از توبه گناه نکند و واجباتی را که از دست داده جبران کند و در آینده به گناه آلوده نشود و واجبات دینی را ترک نکند.

توبه در عرصه عرفات

با تأمل در آن چه از معصومین درباره عرفات و ادعیه وارد شده در شب و روز در می یابیم که سراسر آن ها مضامینی از توبه، استغفار، اعتراف به گناه و طلب مغفرت و آمرزش است. عرفات سرزمینی است که باید در آن جا به لغزش ها و گناهان اعتراف کرد زائر چون می خواهد وارد حریم امن حق شود باید خود را برای حضور در محضر خداوند آماده کند، آمادگی برای حضور به این است که اگر باطنی آلوده به حسد، حرص، عجب، خشم و... دارد همه آن ها را با توجه به حق و اوضاع عجیب قیامت از صفحه دل باطل پاک کند.

حاجی باید زنگار های گناه و معصیت را از جان و دل بزدايد، و روح را از تیرگی ها پاک کند تا زمینه را برای راه یابی به محضر حق و حریم عشق و پذیرش در پیشگاه معبود فراهم سازد. (قاضی

عسکر، ۱۳۸۷، ص ۱۶)



۱- نهی از ناامیدی از پذیرش توبه در عرفه

«قُلْتُ أَيُّ أَهْلِ عَرَفَاتٍ أَعْظَمُ جُرْمًا قَالَ الْمُنْصَرِفُ مِنْ عَرَفَاتٍ وَ هُوَ يَظُنُّ أَنَّ اللَّهَ لَمْ يَغْفِرْ لَهُ» (عباشی،

۱۴۱۱، ص ۱۴۲)

امام علی (علیه السلام) می فرمایند: از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) سؤال شد: کدامین یک، از عرفاتیان گناهکارترین اند؟ فرمود: کسانی که از عرفات بازمی گردند و گمان می کنند خدا آنان را نبخشیده است.

۲- آموزش برخی گناهان مشروط به حضور در عرفات

در برخی از روایات آمده است که تنها وقوف در عرفه می تواند بعضی از گناهان کبیره را ببوشاند.

قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): «ما رأى الشيطان في يوم أصغر و لا أحقر و لا أغيض منه

يوم عرفه و ما ذلك إلا لما يرى من نزول الرحمة و تجاوز الله عن الذنوب العظام إذا يقال من الذنوب

ما لا يكفرها إلا الوُكُوفُ بعرفه» (ابن میثم بحرانی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۴)

دیده نشده شیطان در روزی کوچکتر، فرومایه تر، خشمگین تر از روز عرفه، و این حقارت و زبونی

و خشمگینی شیطان در روز عرفه نیست مگر بدین جهت که می بیند نزول رحمت و گذشت

بخشایش خدای را از گناهان بزرگ زائران، زیرا برخی گناهان است که آنها را نمی پوشاند و مورد

بخشایش قرار نمی دهد مگر وقوف در عرفات.

شرافت زمانی و مکانی در صحرای عرفات از یک سو، آمادگی روحی، حضور در اجتماع و بریدن از

تعلقات دنیوی و تقرّب به خداوند متعال همگی زمینه بازگشت و انابه بندگان را به سوی پروردگار

متعال فراهم می آورد در چنین شرایطی که وعده قبول توبه بارها و بارها داده شده، ظرف وجود

انسانی از آلودگی های باطنی پاک گشته و آماده حضور در محضر یار خواهد شد.





نتیجه بحث

حج شعار جاودانه ای است که خداوند عزّت و شوکت مسلمانان را بدان مرهون ساخته است و بدین مقیاس مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد.

نتایجی که از تحقیق پیرامون پیامدهای حضور و وقوف در عرفات حاصل شده است اینطور است: از بعد فردی: یادآور کوتاهی عمر، یاد آور روز رستاخیز، رسیدن به آرامش و اقتناع نفس، نظم و انضباط.

و از بعد اجتماعی: ارتباط با جهان اسلام، کانون وحدت برای تشکیل امت واحده، زمینه مناسب برای ابلاغ و ترویج معارف دینی را به ارمغان می آورد.

و در زمینه ولایت: حج بدون ولایت و آهنگ کعبه بدون امامت و حضور در عرفات بدون معرفت امام و رمی جمره بدون طرد و شیطان استکبار درونی و بیرونی بی حاصل است و سودی نخواهد داشت.

وقوف در عرفات خود، عمل واجب در عرفات محسوب می شود و برای فرصتی که در آن جا وجود دارد توصیه به دعا و توبه و انابه شده است، که یکی از وجوه عرفات اعتراف به گناهان و اظهار ندامت و پشیمانی و توبه از آن هاست.

بنابراین دعا و توبه دو رکن اساسی و جدانشدنی از عرفات است.





فهرست منابع

*قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی

*علی بن الحسین زین العابدین، صحیفه سجادیه، دعای روز عرفه، ترجمه محمد جواد مولوی نیا، قم،

۱۳۸۴

۱. ابن بابویه، صدوق، من لایحضره الفقیه، دارالاضواء، بیروت، ۱۴۱۳ ق
۲. ابن بابویه قمی، ابوجعفر علی بن الحسین، الامالی، قم، موسسه البعثه، دارالثقافه، ۱۴۱۷ ق.
۳. ابن طاووس، علی بن موسی، اقبال الأعمال (ط- القدیمة)، ۲جلد، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ دوم، ۱۴۰۹ ق.

۴. الحلّی، احمد بن، فهد، عده الداعی ونجاح الساعی، قم، مکتبه الوجدانی، ۱۴۰۷ ق.

۵. افتخاریگلپایگانی، علی، آراءمراجع، قم، دارالقرآن کریم، ۱۳۷۲.

۶. امامی خوانساری، محمد، فلسفه و اسرار حج، تهران، مشعر، بی تا.

۷. بابویه قمی، ابوجعفر محمد بن علی بن حسن، معانی الاخبار، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۱.

۸. بحرانی، ابن میثم، شرح نهج البلاغه، تهران، نصر، ۱۳۷۸

۹. برقی، ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، قم، المجمع العالمی لاهل البيت، ۱۴۱۶ ق.

۱۰. بیگلری، حسن، احکام حج و اسرار آن، تهران، بینا، ۱۳۴۵.

۱۱. احمد بن، حنبل، مسند احمد، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.

۱۲. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت لاهل التراث، ۱۴۱۴ ق

۱۳. حمیری، عبد الله بن جعفر، قرب الإسناد (ط- الحدیثه)، ۱جلد، قم، مؤسسه آل البيت علیهم

السلام، ۱۴۱۳ ق.



۱۴. حجتی، محمد باقر، در حریم کعبه، تهران، مشعر، ۱۳۸۰.
۱۵. جوادی آملی، عبدالله، جرعه ای از صهبای حج، قم، اسراء، ۱۳۸۸.
۱۶. جوادی آملی، عبدالله، صهبای حج، قم، اسراء، ۱۳۷۷.
۱۷. جوادی آملی، عبدالله، صهبای صفا، تهران، مشعر، ۱۳۷۱.
۱۸. جباران، محمدرضا، درسنامه علم اخلاق (۲)، قم، سنابل، ۱۳۸۴.
۱۹. حجتی، محمدباقر، در حریم کعبه، تهران، مشعر، ۱۳۸۰.
۲۰. خداکرمی زنجانی، ابوعلی، ابعاد گوناگون حج، قم، دارالنشر اسلام، ۱۳۷۳.
۲۱. میرزا حبیب الله، خوبی، شرح نهج البلاغه (منهاج البراعه)، تهران، دارالکتب اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۸۶ ق.
۲۲. درویش، عبدالله، از میقات تا عرفات، تهران، نشر معارف، ۱۳۸۲.
۲۳. محمد تقی، رهبر، همراه با زائران خانه خدا، تهران، مشعر، ۱۳۷۴.
۲۴. خمینی، روح الله، مناسک حج، تهران، بنیاد شهید، ۱۳۶۱.
۲۵. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، تفسیر الدر المنثور فی تفسیر بالمأثور، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۳ ق.
۲۶. شمس الدین محمد، سرخسی، مبسوط سرخسی، تحقیق جمعی از علماء، قم، دارالمعرفه، ۱۴۰۶ ق.
۲۷. جبلی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین علی بن احمد، مسکن الفؤاد عند الأحبه والاولاد، قم، موسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۷.
۲۸. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام فی الحلال و الحرام، تهران، فراهانی، ۱۳۹۲ ق.
۲۹. شیخ طوسی، محمد بن حسن، مصباح المتعجل، موسسه فقه الشیعه، بیروت، ۱۴۱ ق.
۳۰. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، تهران، بنیاد فکری و علمی علامه طباطبایی، ۱۳۶۲.



۳۱. عیاشی، محمدبن مسعود، تفسیر العیاشی، بیروت، موسسه الاعلمی، ۱۴۱۱ ق.
۳۲. غفاری، ابراهیم، راهنمای حرمین شریفین (۴)، تهران، اسوه، بی تا.
۳۳. محمد بن شاه مرتضی، فیض کاشانی، وافی، قم، مکتبه مرعشی نجفی، بی تا.
۳۴. فاضلی، قادر، عرفان حج، تهران، اطلاعات، ۱۳۹۰.
۳۵. فخررازی، محمدبن عمر، تفسیر مفاتیح الغیب، ترجمه علی اصغر حلبی، تهران، اساطیر، ۱۳۷۱.
۳۶. فیض کاشانی، محمدبن شاه مرتضی، المحججه البیضاء فی تهدیب الاحیاء، ترجمه محمدرضا عطایی، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۷۹.
۳۷. قاضی عسکر، علی، حج در اندیشه اسلامی، ناشر: نشر مشعر، چاپ دانش پژوه، ۱۳۸۱.
۳۸. قرائتی، محسن، حج، تهران، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۵.
۳۹. قرائتی، محسن، عمره، تهران، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، ۱۳۷۶، ش ۱۴۴.
۴۰. قرطبی، محمدبن احمد، الجامع لاحکام القرآن، قاهره، دارالکاتب العربی، ۱۳۸۷ ق.
۴۱. عباس، قمی، مفاتیح الجنان، دعای کمیل، مترجم غلامعلی موسوی هاشمی، مشهد، ناشر راز توکل، بی تا
۴۲. کارگر، رحیم، داستانها و حکایت های حج، تهران، مشعر، ۱۳۸۰.
۴۳. کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، تهران، ناشر: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۴۸ ش.
۴۴. کلینی، محمدبن یعقوب، فروع کافی، بیروت، ترجمه محمد حسین رحیمیان، ناشر: دارالاضواء، لبنان، ۱۳۸۹.
۴۵. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، بیروت، موسسه الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
۴۶. مجموعه رهنمودهای امام خمینی، صحیفه نور، شرکت سهامی چاپخانه وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱.



۴۷. مکارم شیرازی و همکاران، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ ۲۳، پاییز ۱۳۶۷.

۴۸. مکارم شیرازی، ناصر، مفاتیح نوین، ناشر امام علی بن ابی طالب، قم، چاپ فاضل، چاپ ۲۵، ۱۳۸۹.

۴۹. ملکی تبریزی، جواد بن شفیح، المراقبات، قم، نشر سایه، ۱۳۷۵.

۵۰. مظفری، علی، میعادگاه عشق، ناشر احمدی، تهران، ۱۳۷۹.

۵۱. ممدوحی، سناخت از نظر قرآن و اسلام، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۶.

۵۲. محدثی، جواد، بر کرانه شرح چهل حدیث امام خمینی، قم، نشر هاجر، ۱۳۸۹.

۵۳. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، موسسه آل

البيت الاحیاء التراث، ۱۴۱۷ ق.

